

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

واژه‌ی سنت در گذر زمان

۱- رقیه صادقی نیری دکتری علوم قرآن و حدیث

۲- مهین شهریور دکتری علوم قرآن و حدیث

۱- استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید مدنی

آذربایجان

۲- استادمدعو گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید مدنی

آذربایجان

Email: (نویسنده اول) Rsadeghiniri@yahoo.com

Email: (نویسنده دوم) mahin.sahrivar@yahoo.com

چکیده

اعتبار واژه سنت به اندازه قدمت تاریخ اسلام است. تحقیقات بررسی شده بیانگر این هست عمده تغییر و تحول واژه سنت در قرن دوم هجری، رخ داده است. برای فهم بهتر مفهوم این واژه، ارتباط بین مفهوم متأخر واژه سنت با مفهوم آغازین آن و همچنین رویدادهای اجتماعی گوناگونی را شناسایی کرد که بانی چنین تغییراتی هستند. به همین علت باید در تحقیق مفهوم سنت، جریان فکری اصحاب اثر، اصحاب حدیث متقدم، اصحاب رای و مکتب فکری امام جعفر صادق (ع) از رویکرد تاریخ انگاره هاشناسایی کنیم. اثر این جریانهای فکری بر تغییر و تحول مفهوم واژه سنت از آن جهت قابل توجه است که همه این محافل در قرن دوم هجری و زمان شکل گیری علوم مختلف اسلامی به عرصه آمدند.

کلید واژه: سنت، تغییر و تحول، گذر زمان، تاریخ انگاره

مقدمه

رویکردهایی چون افزایش سطح علم، و مردم، پیشرفت دانش و تحول در اندیشه و فرهنگ انسانها باعث تحول تدریجی در مفهوم و معنای بعضی واژگان می شود. چنان که آنها معنای مختلفی می یابند. در این مقاله به دنبال بازتاب تحول معنای واژه سنت در گذر زمان هستیم. در طی زمان واژه سنت در بعضی متون دگرگون شده و معنای اولیه خود را از دست داده و معنای جدید گرفته است و یا در برخی دیگر که با حفظ معنی قبلی خود، معنای جدیدی نیز پیدا کرده است. و یا یکی از معنای خود را از دست داده و با معنای مستعمل

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ادامه حیات داده است. در این مقاله، جهت بهره‌گیری بهتر از این متون و برای نشان دادن بعضی از معانی مستعمل و یا متروک واژه سنت، از قرآن کریم، متون اسلامی، تاریخ اسلامی، و دیگره متون اسلامی بهره جسته ایم.

متن تحقیق

واژه سنت در لغت به معنای سیره، شیوه و روش رفتاری جاری در اجتماع بشری است. کلمه مسنون در قرآن کریم در سوره مبارکه حجر آیات ۲۶ و ۲۸ از همین ریشه استعمال شده است که به معنای ریخته و جاری شده است. (قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۲۱۱). مشتقات دیگر این کلمه را گاه در برخی روایات نبوی می توان پیدا کرد. (ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الخصال، مجتمع ناشران، قم، ۱۳۹۴ش، ص ۹۵)

برخی لغت دانان مثل خطابی و ازهری علاوه بر این، برخورداری از اتقان و صحت را نیز مولفه های معنایی واژه سنت در نظر گرفته اند، و معتقد هستند به سیره و روش رفتاری جاری سنت نمی توان گفت بلکه سنت فقط بر شیوه، سیره قابل قبول و صحیح گفته می شود (زیبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، مکتبه الحیاه، بیروت، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۳۱۲) از طرف دیگر بعضی از علماء می فرمایند واژه سنت می تواند شامل هرگونه روشی خواه صحیح و خوب و یا تهیبه و بد باشد. (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۱۷)

در تایید این نظر میتوان حدیثی مشهور حضرت محمد(ص) را مثال زد که بر اساس آن هر کسی سنتی نیک را بنا گذارد از پاداش همه دیگر عمل کنندگان به آن بهره مند خواهد شد. و هر کس کس سنت بدی را بهنا گذارد گناه همه کسانی که به آن عمل می کنند او خواهد بود. (فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الفت نامه اصفهان: مرکز تحقیقات علمی و دینی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۹۲ش، ص ۳۰۴)

علاوه بر معنایی گفته شده استمرار و دوام را نیز برخی لغت دانان از جمله معانی سنت در نظر گرفتند، به عنوان مثال بعضی تعبیر سنت الماء را که بیانگر پی در پی ریخته شدن آن دانسته و بر این اساس گفتند که به روش های جاری و معمولی نیز سنت گفته می شود. (زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، دار البلاغه، بیروت، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۸) بر همین اساس به سنگی که با آن آلات برنده را تیز می کنند مسن می گویند. به این علت که برای تیز کردن لبه آلت ستی پی در پی شایع را روی سنگ کشید. (زرکشی، محمد بن بهادر، البحر المحیط، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۲۰۳)

بر اساس شواهد موجود می توان چنین گفت در شکل گیری مفهوم لغوی واژه سنت چند مولفه معنایی نقش دارند یکی مفهوم راه و شیوه و طریقه دیگری مفهوم جریان و شیوه و همچنین دوام و استمرار. (بن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۹۴ش، ج ۵، ص ۴۷)

مداوم بودن واژه سنت مستلزم این است که به هر شیوه و طریق رفتاری جاری در اجتماع سنت گفته نشود، بلکه هر وقت رفتار و طریق در اثر تکرار و استمرار از دوام و بقا برخوردار شود سنت گفته می شود. بر این اساس اگر فردی رفتاری را یک یا چند بار محدود و غیر مستمر انجام دهد نمی توان گفته که سنت او چنین است. (صفوی، کورش، درآمدی بر معناشناسی، سوره مهر، تهران، ۱۳۹۷ش، ص ۱۶۶)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به این خاطر مفهوم سنت به مفهوم عادت شبیه و نزدیک است. با این حساب اکنون به نظر می رسد که سنت رفتار تکراری است که اراده، آگاهی و تصمیم گیری خود آگاه در آن تخیل است. برخلاف آن عادت به رفتار تکراری و مستمری گویند که به دفعات زیادی به طور ناخودآگاه انجام پذیرفته است. (شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، دار الکتب الطیب، بیروت، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۵۸) همانطور که ابوهلال عسگری مطرح کرده است سنت آن رفتاری را گویند که دیگران انجام دادند و فرد آن را پیگیری می کند حال آنکه عادت معمولاً بر طبق روایات و طبع خود فرد است. (ابوهلال عسگری، حسن بن عبدالله، الفروق اللغویه، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲۱) بر این اساس متوجه می شویم که یک مولفه معنایی دیگر سنت همان تقلیدی بودن آن می باشد همانگونه که ابوهلال عسگری مطرح کرده هست معمولاً با فعل یک فرد و بدون تقلید از دیگران سنتی مفهوم نمی یابد. (حامد مقدم، احمد، سنتهای اجتماعی در قرآن، اسوه، تهران، ۱۳۹۷ش، ص ۱۴)

واژه سنت در قرآن کریم به شکل مفرد و جمع ۱۶ دفعه مطرح شده است و در عمده آیات قرآن نیز سنت به خداوند منان انتصاب گردیده است. مثل "سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا" سنت خدا در اقوام گذشته و قبل از این نیز همین بود، و تو هرگز سنت خدا را دگرگون نخواهی دید (احزاب/ ۶۲)

با موارد مطرح شده به امت های گذشته ی که از سنت خاصی برخوردار بودند نسبت داده شده است مانند "و یهدیکم سنن الذین من قبلکم" (نساء/ ۲۶) و یا "فقد مضت سنت الاولین" (انفال/ ۳۸)

همانطور که از ظاهر آیات مبارکه پیدا است واژه سنت به معنای سیره و شیوه معمول خداوند با انسانهای گذشته است. مثالهایی حاکی از استعمال گسترده این کلمه در زمان های قبل از اسلام وجود دارد. قبل از عصر اسلامی در فرهنگ عرب هیچ قانون مدنی نوشته شده ای وجود نداشت که حقوق و وظایف انسان ها را مشخص کند با این حال هنگام بروز مشکل بین مردم، کاهنان و روسای قبیله داوری و رفع اختلاف می کردند. داوری های آنان در اذهان عموم نقش می بست و به عنوان رویه های قضایی در نظام حقوق عرفی استفاده می شد.

به این رویه های قضایی سنت میگفتند. عمدتاً قضات بعدی تلاش می کردند به سنت داوران قبلی عمل کنند. (ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، دار الکتب العلمیه، دار المدار الاسلامی، بیروت، ۱۴۲۶ق، ص ۱۴)

فرا تر از معنای لغوی واژه سنت از معنای اصطلاحی نیز برخوردار است. عمدتاً در علوم اسلامی همانند فقه و حدیث، سنت را به معنای قول فعل و تقریر پیامبر در نظر گرفته اند. (عسگری، سید مرتضی، معالم المدرسین، مؤسسه النعمان بیروت، ۱۴۱۰ق، ص ۶۷)

البته با همین معنا در بعضی موارد با تعابیر دیگری نیز استفاده شده است: مثلاً راغب اصفهانی سنت پیامبر (ص) را به معنای راهی می داند که ایشان را دنبال می کنند یا بعضی معاصران با کاربرد تعبیر: "کل ما صدر عن النبی (ص)" (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دار الکتب العربی، قاهره، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۵۱۸)

هر چیزی که از پیامبر صلی الله صادر شده است به عنوان سنت وی معرفی کرده است. در بعضی از تعاریف مطرح شده از مفهوم اصطلاحی سنت قید عدم تصریح در قرآن کریم به آن افزون شده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به عنوان مثال شاطبی بیان می کند سنت آن چیزی را گویند که فقط از پیامبر صادر شده باشد. همچنین اضافه می کند سنت نبوی ممکن است قول یا رفتاری باشد به منظور بیان آیه ای از قرآن و یا در مواردی توضیح دهد که در قرآن ذکر آشکارا از آن مورد مطرح نشده است. (شاطبی، ابو اسحاق، الموافقات فی اصول الشریعه، دار البلاغه، بیروت، ق ۱۴۳۲، ج ۴، ص ۳۰۲)

به هر حال سنت در معنای اصطلاحی خود بعد از قرآن کریم عمده ترین منبع شناخت احکام اسلامی محسوب می شود. عمل به سنت نبوی در آیین اسلامی آنقدر مهم است که عمده مسلمانان برای نشان دادن وجهه امتیاز خود نسبت به دیگران خودشان را اهل سنت معرفی کردند. از طرفی نیز همواره شیعیان خود را تنها فرقه معرفی کردن که به سنت نبوی دسترسی کامل داشتند و همواره به سنت نبوی در زندگی خود عمل می کردند. (کاتوزیان، ناصر، بازاندیشی در ابعاد و گستره مفهوم سنت، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۳۹)

معنای اصطلاحی سنت را می توان در قدیمی ترین تالیفات به ارث رسیده از فرهنگ اسلامی به وضوح رویت کرد به عنوان مثال شافعی در رساله خود قدیمی ترین تالیف بازمانده توصیفی از سنت نبوی مطرح کرده است، که بسیار شبیه به تعریف دوران ماقبل خود است (شافعی، محمد بن ادریس، الرسالة، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۰۸)

به نظر می رسد گذر از معنی لغوی، واژه سنت به معنای اصطلاحی خود در زمانهای بسیار دور و در همان دو قرن آغازین اسلامی شکل گرفته است. بر این اساس میتوان پرسید که:

اولاً، مفهوم واژه سنت قبل از اینکه در آیین اسلامی مستحکم شود و به ثبت برسد چه مراحل را سپری کرده است؟

دوماً، جریانهای فکری در این تغییرات چه نقش داشتند؟

سوماً، استنباط شیعیان از مفهوم سنت چه تفاوتی با استنباط دیگران از این واژه داشت و این استنباط چه تاثیری در شکل گیری مفهوم سنت داشت؟

این تحقیقات در واقع تلاش برای شناخت تاریخ یک مفهوم اساسی در آیین اسلامی می باشد. در جواب به این پرسش ها ابتدا باید مبانی رویکرد تاریخ انگاره را که برای بررسی تاریخی مفاهیم و انگاره های از این قبیل استفاده میشد بشناسیم. (شکوری، ابولفضل، تحقیقی در منابع ایدئولوژیک اسلام - سنت، نشر حر، قم، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۹۵)

با این روش، تحقیق خود را بومی سازی کرده ایم. در این صورت مفهوم سنت را نزد طرفداران جریانهای فکری گوناگون در قرن دوم هجری قمری بررسی می کنیم، و در نهایت به طور ویژه نقش امام جعفر صادق علیه السلام را در شکل گیری مفهوم سنت بررسی کرده و به جواب تمام پرسش ها خواهیم رسید.

تبیین تغییرات تاریخی مفهوم سنت با بررسی و تحلیل تاریخ انگاره

مورخان از روش های متعددی برای بررسی جریان های اجتماعی بهره جسته اند. گاهی برای بررسی جریان های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را مورد بررسی قرار دادند گاه تحولات فکری انسان ها را. چرا که معتقد هستند با بررسی تاریخ افکار و اندیشه انسان ها بهتر می توانند به تحولات اجتماعی دست یابند. (طباطبایی، جواد، مفهوم سنت نگاه وارونه مجله نقد و نظر، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز، ۱۳۸۰ ش، ۲۱)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

محققانی که به مطالعه تاریخ اندیشه پرداخته‌اند روش‌های مختلفی را در این زمینه به کار گرفتند، به عنوان مثال برخی از آنها تاریخی علوم و دانش‌های مختلف را بررسی کرده‌اند، برخی تحولات تکنولوژیک در جامعه، و اثر آنها را بر جریان‌های اجتماعی بررسی کرده‌اند.

از جمله این روش‌ها مطالعه تاریخ‌نگاری‌ها می‌باشد. تاریخ‌نگاره، روشی از پژوهش و تحلیل تاریخی درباره افکار و اندیشه انسان‌ها می‌باشد که در مورد شکل‌گیری اثبات و تغییر و تحول مفاهیم مختلف صحبت می‌کند. مفاهیمی که در یک فضای فرهنگی یا زمانی خاص رونق نداشته‌اند.

این مفاهیم ممکن است فلسفی، دینی، ادبی، هنری، علمی، سیاسی، یا نشأت گرفته از عادات ذهنی و یا تجربه‌های زندگی مردم در گذر زمان باشد. (عزیزی، پروانه، تجدد سنت و احیاء، مجله اندیشه حوزه، سال ششم، شماره اول، ۱۳۸۸ش، ص ۱۱)

مورخان که درباره تاریخ‌نگاره‌ها تحقیق و بررسی کردند می‌گویند با شناخت نحوه شکل‌گیری و تغییر این مفاهیم اساسی، تاریخ اندیشه و افکار بشری را می‌توان تشریح کرد

آنها تحقیقات خود را روی تک مفهوم بنا کردند، با این بیان اگر مفهوم کلیدی کامل شناخته شود، اجزا و مولفه‌های معنایی آن و تغییرات ایجاد شده در آن مفهوم در گذر زمان را به نحو عالی شناخت، می‌توان به شناخت عمیق از دیگر تحولات اجتماع و فرهنگ مورد نظر رسید.

مورخان جهت پیدا کردن چنین تک مفهوم‌هایی به مرور پیش‌فرض‌های افکار و اندیشه‌های اشخاص مهم، یا یک نسل مهم، یا مسائل تامل برانگیز در هر دوره، یا عوامل اختلاف رفتارهای فکری گوناگون مفاهیم و عبارات مهم در ادعیه و متون و شعائر مذهبی در هر مکتب یا هر قرن می‌پردازند. (ابن حبان، محمد، المجروحین، دارالباز، مکه، ۱۴۱۹ق، ص ۱۴۶)

تمام این‌نگاره‌ها بازتاب اندیشه و افکار جریان‌های فکری گوناگون هست و صاحبان افکار و عقاید گوناگون در آثار ادبی، فلسفی، هنری، دینی، و علمی خود هر کدام توضیح خاص خود را از این‌نگاره‌ها بیان می‌کنند

تاریخ‌نگاره‌ها یک علم بین‌رشته‌ای است که از علوم گوناگونی چون: ادبیات روانشناسی، علوم تجربی، علوم طبیعی و علوم اجتماعی گوناگون برای دستیابی به اهداف خود کمک می‌گیرد. (مبین، محمد، کاوشی بنیادین در باب مدرنیته و سنت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران، ۱۳۹۰ش، ص ۳۴)

با این بیانات، اصلی‌ترین روش مطالعه تاریخ‌نگاره‌ها بر کاربرد شیوه‌های زبان‌شناسی بنا شده است. از دیدگاه مورخان این‌نگاره‌ها معانی و اصولی هستند که در پشت الفاظ جای گرفته‌اند و در گذر زمان تغییر می‌کند بنابراین تاریخ‌نگاره‌ها به کاربرد شیوه‌های زبان‌شناسی و معناشناسی تاریخی محصور نمی‌شوند. (خانابایی، مهدی، وحدت از دیدگاه قرآن و سنت، درویش، تبریز، ۱۳۹۳ش، ص ۲۵)

استفاده از روش‌های معناشناسی در تحقیق و بررسی تاریخ‌نگارها رونق بسیار وسیعی دارد، معناشناسان تحولات معنا را، در گذر زمان را بررسی می‌کنند. و هر از گاهی به تحول معنا در گذر زمان التفات نمی‌کنند. روش اول معناشناسی در زمان و روش دیگر معناشناسی همزمانی نامیده می‌شود. (رضوانی، علی اصغر، شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، مشعر، تهران، ۱۳۸۵ش، ص ۵۹۴)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

برای تحقیق از تغییر معانی در گذر زمان ضروری است که بین معنای رایج یک واژه در دوره خاص با معنای دیگر آن واژه در دوره دیگر مقایسه به عمل آید به عنوان مثال وقتی می توان معنای کلمه «سپر» را در یک داستان هزار ساله بررسی کرد که در هزار سال قبل به معنای وسیله های دفاعی در جنگ بوده است، و در دوران کنونی عضوی از بدنه ماشین تلقی می شود. از دیدگاه معناشناسان در گذر زمان ممکن است معنای یک انگاره دچار تغییرات شود به عنوان مثال در زبان عربی کلمه عجم ابتدا به معنای هر غیر عربی استفاده می شد سپس با اختصاص معنایی، تنها به آنان که فارسی زبان بودند اطلاق می شد. همچنین واژه «زندیق» ابتدا بر کسانی که متون زرتشتی را تفسیر می کردند نامیده می شد، اما به مرور زمان با گسترش معنایی بر هر فرد بی دینی یا برخوردار از دینی غیرقابل قبول از دیدگاه مسلمانان استعمال می شد. همانطور که در این دو مثال مشاهده کردیم یک انگاره در گذر زمان ممکن است دچار تضییق معنا و یا دچار رونق و توسعه معنایی گردد.

به همین منوال، تغییرات دیگری در مفهوم انگاره ها می تواند رخ دهد، معنا شناسان علاوه بر گسترش و تضییق معنایی، تحولاتی چون تخصیص تنزل ترصیح، پذیرفتن معانی مجازی، و ترکیب با دیگر انگاره ها برای ایجاد مفاهیم جدید نیز نام برده اند (پاکتچی، احمد، روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۹ش، ص ۲۱۰) در این تحقیق سعی بر این است درباره انگاره سنت بررسی و جستجو کنیم. قصد داریم دریابیم که گذر زمان باعث چه تغییراتی در مفهوم سنت شده است؟ و این تغییرات تحت تاثیر چه عوامل فرهنگی و اجتماعی بوده است.

مفاهیم گوناگون سنت در بستر جریانهای فکری بومها

در دو قرن نخست هجری، در بلاد اسلامی اختلافاتی فقهی پدید آمد. این اختلاف نظرها، به شکل معناداری با بومهایی که هر مکتب در آن رونق داشت، در ارتباط بود. به طور ملموس می توان اختلاف فقهی بین علمای اثرگرای مدینه و رأی گرایان کوفه را در این زمینه به عنوان مثال مطرح کرد که افزون بر اختلاف در مسائل مختلف فقهی، در مبانی استنباط حکم نیز با دیدگر اختلافات زیادی داشتند. (ولیدی، محمد، پست مدرنیته و اندیشه های اجتماعی معاصر، نقش جهان، تهران ۱۳۹۳ش، ص ۱۶۷)

یکی از اختلاف به خاطر اعتماد به روایات بود؛ عمدتا راویان هر یک از این بومها فقط به روایاتی اعتماد می کردند که از بزرگان صحابه ساکن بوم خود روایت شده بود. و مضافا علمای بومهای مختلف هراز گاهی در تفسیر روایات با یکدیگر اختلاف داشتند. یکی از عوامل ایجاد اختلاف در بین فقیهان مختلف، تفاوت مراجعی می باشد که هر یک در اخذ روایات نبوی بدان اعتماد می کنند. نظیر این اختلاف را در بین علماء بومهای دیگر مثل بصره و مکه نیز مشاهده کرد.

فقه های این دو سده همیشه بر لزوم پیروی از «سنت» نبوی تأکید داشتند. با این وضع، به نظر می رسد یک عامل اصلی اختلافشان درکی خواهد بود که هر یک از این مفهوم دارند. (پاکتچی، احمد، اندیشه های فقهی در سده نخست هجری، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۶ش، ص ۳۱۳)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سنت به منزله آثار

در زمان اتباع تابعین، علاوه بر حدیث نبوی، قول و فعل صحابه و قول مقبول اکثر تابعین مثل آئینه‌ای برای سنت نبوی موضوعیت پیدا کرده بود و یک منبع برای تعلیم دینی محسوب می‌شد. فقهاء پیرو چنین رویکردی اصحاب اثر نامیده می‌شدند. (پاکتچی، احمد، اصحاب حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۹۱ش، ص ۴۱۸)

شهر مدینه به عنوان مدینه النبی و وجود صحابه ی ایشان به خصوص بعد از رحلت ایشان و نقل روایات نبوی، این شهر را از نظر علمی در موقعیتی ویژه قرار داد.

به نظر تابعین سنت مورد عمل صحابه سنتی است که از طرف پیامبر (ص) مورد تأیید بود. حفظ این جایگاه ویژه و تأکید بر اهمیت سنت (سیره مسلمانان در مدینه) و مقابله با آنچه که غیر از این سنت رواج داشت (بدعت)، رسالتی است که تابعین باید از صحابیان باید آن را بر عهده گیرد. (حکیم، محمد تقی، الاصول العامة للفقهاء المقارن، مؤسسه آل البيت (ع) للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۲۷ق، ص ۲۸۹)

آثار این نگرش خاص از سنت را در آثار موطأ مالک بن انس ملاحظه می‌کنیم. او در مقام مستند سازی برخی آئینها و اعمال فقهی که آیه‌ای از قرآن کریم یا روایتی نبوی در ارتباط با آنها نرسیده است، با عباراتی همچون «الذی أدرکتُ عَلَیْهِ اهلَ بَلَدِنَا...»، یا عبارت کوتاه و پر کاربرد «والامر عندنا...»، بر لزوم پابندی به عرف اهل مدینه تأکید می‌ورزد؛ عرفی که از دید وی بازتاباننده میراث شاگردان و درس آموختگان مکتب پیامبر (ص) می‌باشد. در کتاب موطأ مالک موارد اندکی وجود دارد که وی به جای تکیه بر عرف مدنیان زمان خود، بر عرف عموم مسلمانان تکیه داشت.

«لیس هذا من بیوع المسلمین»، «و ما مضی من سنۀ المسلمین...»، «سنۀ المسلمین فی القراض»، «لیس هذا من سنۀ المسلمین». در همان زمان، علماء دیگری از اصحاب اثر، مانند لیث بن سعد وجود داشتند که برای اقوال علماء مدینه حجیتی خاص قائل نبودند. (مالک بن انس، الموطأ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۴۷) به طور کلی نسبت به اقوال صحابه و تابعین همین جایگاه را معتقد بودند و سنت نبوی را در آنها نیز جستجو می‌کنند.

سنت به مثابه روایات نبوی بومی خاص

تحول فقه از پیدایش خود تا مرحله فقه نظام گرا، بسیار سریع بود. این تحول سریع، همراه با گرایش گسترده به رأی و شیوه‌های هنوز نامدون اجتهادی توأم بود. این رواج گسترده رأی، به اختلافات گسترده در فتاوی، و نابسامانی‌هایی نیز در امور قضا منجر شده بود. (ابن مقفع، عبدالله، رساله فی الصحابه، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۹ق، ص ۲۰۹)

حماد بن ابی سلیمان از نخستین افرادی بود که برای سامان دهی به شیوه‌های کاربرد رأی تلاش کرد. ایشان به عنوان یک عالم حدیث، از روایات شاخصی برخوردار نبود و عموماً مراجعه کنندگان به او برای کسب دانش، برای آگاهی از رأی وی سراغش را می‌گرفتند. (ابن سعد، محمد، الطبقات، ج ۷، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۳) در این زمان به کارگیری رأی بعد از نیافتن حکم در ادله نقلی روشی عام برای اهل کوفه بود و این فضا حتی در آثار غیرفقهی نیز دیده می‌شود.

به عنوان مثال روایت شده که ابوحنیفه فرموده است: «اگر پیامبر (ص) در زمان من حضور داشتند، بسیاری از سخنان مرا می‌پذیرفتند و آیا اصل دین چیزی جز رأی نیکوست؟» (صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، اعلمی، تهران، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بر اساس مدارک موجود، استدلال می شود اصحاب رأی و از جمله ابوحنیفه، دایره سنت را بسیار تسعیر تعریف می کردند و سنت را خارج از محدوده قول و فعل و تقریر شخص پیامبر اکرم (ص) جستجو نمی کردند. عبارتی از ابوحنیفه، در باره شیوه تلقی او و دیگر اصحاب رأی از روایات و آثار بزرگان، بیانگر تلاش او در تفهیم و برداشت از سنت می باشد. وی معتقد است هر چیزی که یقیناً از پیامبر (ص) به دست ما رسیده است، بدون شک باید پذیرفت. آنچه از یاران ایشان نقل شده است - هر چند، هر از گاهی این گفته ها با یکدیگر در تعارض هستند- ما را در انتخاب مخیر می سازد. اما آنچه که از تابعین ابراز می شود؛ بیانگر این است که آنها آراء و نظراتی برای خود داشتند ما نیز آراء و نظراتی برای خود داریم. ضرورتی ندارد که بخواهیم از آرا و نظرات تابعین پیروی کنیم. (ابن حزم، علی بن احمد، الاحکام فی اصول الأحکام، دار الهدف، قاهره، ۱۴۲۱ق، ص ۲۰۱)

بنا بر این اصحاب رأی تا زمانی آراء و نظرات صحابه را قبول داشتند که احتمال دهند این آراء و نظرات، منعکس کننده سنت نبوی می باشد. با این حساب، برای آراء و نظرات تابعین - و به خصوص، طبقات بعدی از جمله اتباع تابعین - اعتباری قائل نبودند، دلیلشان این بود که این آراء چیزی فراتر از اجتهاد شخصی نیست. (الهی بخش، حسین، القرآنیون و شبهاتهم حول السنه، قاهره دار الوفا ۱۴۲۱ق، ص ۱۵۶)

برای فهم دقیق نظر اصحاب رأی، بایستی بومد بودن روایات در آن زمان را مد نظر گرفت. از عمده دلایلی که باعث می شد اشخاصی مانند ابوحنیفه و رأی گرایان شهر کوفه مانند ابن ابی لیلی و ابن شبرمه شعاع روایات نبوی را آنقدر محدود یابند که مجبور شوند دایره کاربرد رأی را وسعت دهند، گسترش بی حد و مرز کاربرد روایات نبوی در باره مسائل فقهی گوناگون بود، متأسفانه مشکلات ناشی از افزایش نقل روایات پیش از این در بومهای دیگر به اشکال دیگر مطرح بود. مساله دیگری که آن زمان مواجه بودند این بود که قواعد و شرایط نقل حدیث هنوز گسترده نیافته بود. فقهاء تنها روایاتی را معتبر می دانستند که از استادان بوم خودشان شنیده بودند و با شناختن وسائط نقلشان، روایات را ارزیابی و بر آنها اعتماد می کردند. می توان گفت، از یک طرف سنت را در اقوال و رفتارهای پیامبر اکرم (ص) منحصر کردند و از طرف دیگر، آن را در روایات بوم خود جستجو می کردند. به این طریق، خواسته یا ناخواسته دایره منابع نقلی شان خیلی کم شد. تا جایی که راهی به جز استعمال بسیار وسیع روشهای اجتهادی برایشان باقی نماند. (صالح، محمد ادیب، مصادر التشريع الاسلامی و مناهج الاستنباط، بیروت، ۱۴۲۳ق، ص ۳۹۳)

سنت در حد و اندازه روایات نبوی در همه بومها

شافعی با دیدگاه حدیث محوری، سنت را مفسر و موید ظاهر قرآن می داند به عبارت دیگر، در دیدگاه فقهی شافعی، استفاده از حدیث تا اندازه ای است که ظاهر قرآن را تحت الشعاع قرار می دهد. او با تعریفی مضیق از سنت، تنها احادیثی که از پیامبر (ص) ذکر شده است، مصداق سنت می داند و احادیث نقل شده از صحابه و تابعین را به عنوان سنت نمی پذیرد. وی نیز مثل ابوحنیفه، و بر خلاف مالک بن انس، اعتماد بر اقوال اجتهادی صحابه و تابعین را معتبر و مصداق سنت نمیداند. «ما ترکت شیئاً مما امرکم الله به...»

از طرفی، دیدگاه وی هر اندازه که موضعی در برابر اثرگرایان محسوب می شد، به همان اندازه دیدگاه رأی گرایان را نیز، به نقد و چالش می کشید. او برای رأیی که از نظر شخصی نشأت گرفته باشد، اعتباری قائل نبود. (شافعی، محمد بن ادریس، میزان الاعتدال، قاهره، ۱۴۲۳ق، ص ۶۰۵)

به هر حال، از نحوه ارائه مطالب شافعی در کتاب رساله و نیز منقولات او در کتاب الأم می توان چنین استنباط کرد که او سعی وی بر این بود همانند عالمی از رأی و دیدگاه اثرگر، آراء این دسته را با دیدگاه های ارائه شده توسط گروه رأی نزدیک بکند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به هر حال، مقام حدیث نبوی در مکتب فکری شافعی چنین شد که او روایات نبوی را که در همه بومها وسعت یافته بود، اعتبار بدهد. و به جای تکیه به اجتهاد و آراء صحابه و تابعین، به منقولات این افراد از پیامبر اکرم (ص) اعتماد کند، منقولاتی که در بومهای گوناگون گسترش داشتند. گسترش نگرش شافعی در بین اصحاب حدیث، عمدتاً موجب نگرش بوم‌گرا به حدیث در بین اثرگرایان نیست و نابود شود. اینچنین، در پایان قرن ۲ق و با آغاز قرن سوم، قدم به قدم فرابومی شدن تدریجی حدیث، معنای سنت نیز تغییر و تحول عمیق یافت. بر اساس تعریف جدید، سنت عبارت شد از قول و فعل و تقریر پیامبر (ص) نه آن سنتی که در رفتار و گفتار صحابه و تابعین و دیگر علماء، که در منقولاتشان از رفتار و گفتار پیامبر (ص) قابل جستجو باشد. (سرخسی، محمد بن احمد، الاصول، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۴)

سنت از نگرش امام جعفر صادق (ع)

از امام جعفر صادق (ع) روایتی داریم، که شیعیان قبل از امام محمد باقر (ع) مانند یک اقلیت سیاسی بودند. و به خاطر تلاش فکری آن امام، عمده مسلمانان در احکام و عقاید به مکتب فکری شیعیان تمایل پیدا کردند. اینچنین شد که در قرن ۲ق، با رواج جریانات فقهی اصحاب اثر و اصحاب رأی، مکتبی گسترده از اصحاب امام محمدباقر و امام جعفر صادق (ع) تشکیل یافت. با مطالعه انگاره سنت در این زمان بیشتر متوجه نگرش‌های فکری پیروان این مکتب می شویم. شایان ذکر است رویکرد امام جعفر صادق (ع) از بین فقهاء یکی از شاخص‌ترین نگرش به مفهوم سنت است.

امام جعفر صادق (ع) در ارزیابی‌های خود از مکاتب زمانشان، هر دو گروه اصحاب اثر و اصحاب رأی را مورد نقد قرار دادند. در مورد اصحاب رأی، آن حضرت می فرمایند: دین خدا با قیاس قابل دریافت نیست. (ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء، بیروت، دار البلاغه، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۹)

و اگر بنا باشد که سنت را با قیاس بشناسیم، دین از بین می رود.

به این منوال، اعتماد اثرگرایان زمانشان را بر قول و فعل تابعین نقد می کنند و می فرمایند: «فردی که دین خود را از دیگران بشنود، دیگران او را نابود می کنند و فردی که دین خود را از کتاب و سنت اخذ کند، تا زمانی که دنیا برپا است، برپا خواهد بود» (مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ج ۶ بیروت، الارشاد، ۱۴۲۳ق، ص ۷۶)

منابع و مآخذ سنت

در اوضاعی که اکثر علماء اهتمام داشتند با اعتماد بر اقوال صحابه و تابعین در شناخت سنت نبوی باز کنند، امام جعفر صادق (ع) با در دست داشتن مکتوباتی مانند جامعه و کتاب حضرت علی (ع)، جهت یافتن سنت نبوی نیازی به رجوع به روایات معمول در مجالس عادی محدثان نمی دیدند. سوای این، امام جعفر صادق (ع) تکیه گاهشان علوم نابی بود که طبق فرمایشات ایشان بازتاب توفیق و تسدید الهی بود. (تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، دار المعارف، قاهره، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۴۶)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

و هرکسی بدان دسترس ندارند. مکررا در سخنان امام جعفر صادق (ع) مطرح است که: ائمه (ع) علمی ویژه به قرآن دارند، یا مثلا، خداوند علاوه بر تنزیل قرآن، تأویلش را نیز به پیامبر (ص) آموخته است، و این علم از پیامبر (ص) به امامان به ارث رسیده است. (بوزهره، محمد، امام جعفر صادق و دیدگاه های فقهی ایشان، مترجم: طباطبایی، ناصر، احسان، تهران، ۱۳۹۰ش، ص ۴۸۱)

بر این اساس، امام جعفر صادق (ع) همیشه انسانها را از تبعیت علم نسبی و غیر یقین منع می کردند. انتقاد ایشان از این جهت، هر دو فرقه رأی گرایان و اثرگرایان را شامل میشد. و فرقی نداشت که نسبت علوم، برگرفته از احتمال خطا در اجتهاد باشد، و یا مطمئن نبودن طرق نقل احادیث. همچنین، اکثر بحثها در باره سنت که می توانست برای فقهاء اثرگرا یا رأی گرای مطرح باشد - از دیدگاه ایشان مهم نبود. مباحثی مانند ضرورت اسناد یا حجیت اخبار آحاد که در مجالس فقهی و حدیثی آن زمان مدام بحث می شد. و یا مباحثی چون مبحث حجیت اقوال و افعال صحابه و تابعین یا بلاغات برای امام جعفر صادق (ع) و باران ایشان لزوم بحث نداشت. (صنعانی، عبد الرزاق بن همام، المصنف، الارشاد، بیروت، ۱۴۰۳ق، ص ۹۷)

طبق شواهد و مدارک به دست آمده، می توان گفت که دیدگاه امام جعفر صادق (ع) در مورد سنت، با دیدگاه معاصرانشان بسیار متفاوت بود.

رابطه کتاب و سنت

برای فهم کامل سنت از نگاه امام جعفر صادق (ع)، ابتدا باید رابطه میان کتاب و سنت را در آموزه های ایشان جستجو کنیم. از نگاه عموم فقهاء هم زمان با امام جعفر صادق (ع)، قرآن و سنت هر کدام منبع مهمی برای تشریح برخی احکام بودند، بنابراین هر از گاهی مسائلی پیدا می شد که در هیچ کدام از این دو منبع حکمی برایش پیدا نبود و بایستی با مراجعه به منابعی دیگر، یا کاربرد رأی برایشان حکمی پیدا کرد. بر خلاف این، امام جعفر صادق (ع) معتقد بودند تمام احکام در قرآن موجود است. بنابراین، کتاب خدا کامل است و تمام مصالح بشر و احکام مورد نیاز در آن یافت می شود. (برقی، احمد بن محمد، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ق، ص ۴۱۲)

با این بیانات در دیدگاه علماء و فقهاء هم زمان با امام جعفر صادق (ع) و بر اساس استنباط ایشان از ادله شرعی، قرآن و سنت و اجتهاد رأی تماما راه هایی جهت استنباط احکام شرعی تلقی می شدند، همان قدر که اجتهاد رأی روشی مستقل برای پیدا کردن حکم قرآنی محسوب می شود، سنت نبوی نیز در دلالت خود مستقل از قرآن و منبع و ماخذی در عرض آن محسوب می شود. امام جعفر صادق (ع) با این روش نیز مخالف بودند. ایشان معتقد بودند، اصلا چنین نیست که موضوعی در قرآن مطرح نشده باشد و سنت آن را تامین کند، بلکه قرآن در سطح کلام الهی مستقل است و تمام پیام خود را مطرح کرده است و لزومی ندارد با سنت، نواقص قرآن کامل شود.

سنت و فریضه

دیدگاه امام جعفر صادق (ع) درباره سنت در مقابل فریضه معنا دارد، نه در برابر کتاب. فریضه در اصطلاح رایج دو قرن آغازین به آن دسته از تکالیف اطلاق می شد که در قرآن کریم به وضوح مطرح شده اند، بنابراین با این دیدگاه سنت، عبارت است از تکالیفی که در قرآن پنهان است، و با تصریح پیامبر اکرم (ص) قابل کشف می باشد. فریضه با این معنی، هر از گاهی در قرآن کریم مطرح شده است (توبه / ۶۰) (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، انصاریان، تهران، ۱۳۶۷ق، ص ۴۱۲)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فقهاء و علمایی که قبل از امام جعفر صادق (ع) فریضه را به این معنا در مقابل سنت استعمال کردند. به این معنی که دستورات مربوط به قرآن را فریضه، و دستورات ذکر شده در قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) را سنت معرفی کردند. (عامری، محمد، الاعلام بمناب الاسلام، دار الهدف، قاهره، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۴)

حتی امام محمدباقر (ع) نیز به این تمایز توجهی خاصی نشان دادند، و در باره این قانون فرموده بودند که خلل در سنت نمی‌تواند موجب بطلان فریضه شود. (ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، فقیه من لا یحضره الفقیه، قم، صدرا، ۱۳۹۸ش، ص ۱۹۵). در اواسط قرن ۲ق، این تمایز تدریجاً در حال نسیان بود به این خاطر تعریف جدیدی از فریضه و سنت بیان شد که فریضه عبارت است از دستورات شرعی واجب، که سنتها و دستورات مندوب را شامل می‌شوند. (کبیری، عباس منهج الاصولین فی استدلال بالسنه النبویه، دار المکتبه الهلال، بیروت، ۱۴۲۳ق، ص ۲۰۷)

امام صادق (ع) به بسط و استحکام همان معنای نخست پرداختند. به عنوان مثال، در پاسخ به سؤال داوود بن کثیر رقی آیا سنتهای پیامبر (ص) همانند فرائض خداوند است، امام جعفر صادق (ع) با تأکید بر اینکه اطاعت هر واجب است، بر تفاوت اساسی میان آن دو تأکید فرمودند. بر اساس این روایات، خداوند منان فریضه را بر بندگان واجب کرده اند که هر کس آنها را ترک کند کافر است. پیامبر خدا (ص) هم به دستوراتی را امر فرمودند که همه خوب هست و اگر کسی آنها را انجام ندهد، اگرچه کافر محسوب نمی‌شود، خللی نیز در خیر وی وارد نمی‌شود (حمزه، محمد، الحدیث النبوی و مکاتبه فی الفکر الاسلامی، دار الساقی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۹۸)

نتیجه گیری

در دو قرن نخست هجری انگاره سنت با انقلاب معنایی عظیمی روبه رو شد. این تحول در بستر بومهای مدینه، مکه، بصره و کوفه اتفاق افتاد. وجود سنت نبوی در فقه اسلامی باعث گردید که تمایز درکها از سنت، به وجود آمدن مکاتب فقهی گوناگونی منجر شود. در این راستا، فقهاء و علمای اثرگرا، سنت را به سخنان پیامبر (ص)، صحابه، تابعین و سیره مسلمانان تعبیر کردند. از طرف دیگر، اصحاب رأی تلاش کردند سنت را به روایات نبوی قابل اعتمادشان محصور کنند. روایاتی که از نگاه آنها فقط از وسائلی بومی قابل فهم بود و اینگونه، شعاعی بسیار مضیق پیدا می‌کرد. این امر به نوبت خود باعث شد فقهاء با محدود شناختن شعاع منابع نقلی، به گسترش روشهای اجتهادی خود چون قیاس و استحسان تلاش کنند. در نتیجه، شافعی نیز با ایستادن در موضعی میانه، تلاش کرد از یک طرف مانند اصحاب رأی سنت را به روایات نبوی محصور کند و از طرف دیگر، به جای وسعت بخشیدن به رسوم اجتهادی، باتکیه به روایات نبوی موجود در بومهای گوناگون جهان اسلام، از کم شدن دامنه سنت ممانعت کند. بدین جهت، مکتب فقه جعفری فرایندی مستقل را در مقابله با این آراء و نظر مطرح کرد. امام جعفر صادق (ع)، هم برداشت و استنباط اثرگرایان از سنت را مورد انتقاد قرار دادند و هم استنباط رأی گرایان را. سنت نبوی از دیدگاه امام جعفر صادق (ع) نه تشریحی در عرض کتاب خدا، بلکه تفسیری از سخنان پوشیده و مبهم قرآن قلمداد می‌شد. همچنین، قرآن همانند منبعی برای تشریح احکام، آنچنان کامل بود که جایی برای استفاده از رأی شخصی در استنباط حکم باقی نگذاشت. امام جعفر صادق (ع) همواره کوشیدند همان درک قدیمی از مفهوم سنت را که در مقابله با فریضه قرار داشت زنده کنند و، سنت را مانند دستور واجب الاطاعت پنهان در قرآن و آشکار در قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم (ص) در نظر گیرند. این گونه، در قرن دوم هجری مکاتب فقهی متفاوتی شکل گرفتند که یکی از تفاوتهای اساسی، استنباط خاصی بود که هر یک از انگاره سنت نبوی ارائه می‌کردند. این استنباط متفاوت از انگاره سنت، تا به حال در جهان اسلام پایدار هستند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مراجع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الخصال، مجتمع ناشران، قم، ۱۳۹۴ ش.
- ۳) ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، فقیه من لا یحضره الفقیه، قم، صدرا، ۱۳۹۸ ش.
- ۴) ابن حبان، محمد، المجروحین، دار الباز، مکه، ۱۴۱۹ ق.
- ۵) ابن حزم، علی بن احمد، الاحکام فی اصول الأحکام، دار الهداف، قاهره، ۱۴۲۱ ق.
- ۶) ابن سعد، محمد، الطبقات، ج ۷، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- ۷) ابن مقفع، عبدالله، رساله فی الصحابه، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
- ۸) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۰۷ ق. ج ۷.
- ۹) ابوزهره، محمد، امام جعفر صادق و دیدگاه های فقهی ایشان، مترجم: طباطبایی، ناصر، احسان، تهران، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۰) ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیه الاولیاء، بیروت، دار البلاغه، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۱) ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق اللغویه، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۲۳ ق.
- ۱۲) الهی بخش، حسین، القرآنیون و شبهاتهم حول السنه، قاهره دار الوفا، ۱۴۲۱ ق.
- ۱۳) برقی، احمد بن محمد، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
- ۱۴) بن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۹۴ ش، ج ۵.
- ۱۵) پاکتچی، احمد، اصحاب حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۹۱ ش.
- ۱۶) پاکتچی، احمد، اندیشه های فقهی در سده نخست هجری، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۷) پاکتچی، احمد، روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۸) تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، دار المعارف، قاهره، ۱۴۱۳ ق، ج ۳.
- ۱۹) حامد مقدم، احمد، سنتهای اجتماعی در قرآن، اسوه، تهران، ۱۳۹۷ ش.
- ۲۰) حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقهاء المقارن، مؤسسه آل البيت (ع) للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۲۷ ق.
- ۲۱) حمزه، محمد، الحدیث النبوی و مکانته فی الفكر الاسلامی، دار الساقی، ۱۴۲۵ ق.
- ۲۲) خانبابایی، مهدی، وحدت از دیدگاه قرآن و سنت، درویش، تبریز، ۱۳۹۳ ش.
- ۲۳) ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، دار الکتب العلمیه، دار المدار الاسلامی، بیروت، ۱۴۲۶ ق.
- ۲۴) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دار الکتب العربی، قاهره، ۱۴۲۵ ق، ج ۳.
- ۲۵) رضوانی، علی اصغر، شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، مشعر، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- ۲۶) زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، مکتبه الحیاه، بیروت، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰.
- ۲۷) زرکشی، محمد بن بهادر، البحر المحیط، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ ق، ج ۵.
- ۲۸) زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، دار البلاغه، بیروت، ۱۴۲۷ ق، ج ۲.
- ۲۹) سرخسی، محمد بن احمد، الاصول، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- ۳۰) شاطبی، ابو اسحاق، الموافقات فی اصول الشریعه، دار البلاغه، بیروت، ق ۱۴۲۲، ج ۴.
- ۳۱) شافعی، محمد بن ادريس، الرساله، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره، ۱۴۱۵ ق.
- ۳۲) شافعی، محمد بن ادريس، میزان الاعتدال، قاهره، ۱۴۲۳ ق.
- ۳۳) شکوری، ابولفضل، تحقیقی در منابع ایدئولوژیک اسلام - سنت، نشر حرّ، قم، ۱۳۸۸ ش.
- ۳۴) شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، دار الکلم الطیب، بیروت، ۱۴۲۴ ق، ج ۲.
- ۳۵) صالح، محمد ادیب، مصادر التشريع الاسلامی و مناهج الاستنباط، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
- ۳۶) صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، اعلمی، تهران، ۱۴۲۴ ق.
- ۳۷) صفوی، کورش، درآمدی بر معناشناسی، سوره مهر، تهران، ۱۳۹۷ ش.
- ۳۸) صنعانی، عبد الرزاق بن همام، المصنف، الارشاد، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- طباطبایی، جواد ، مفهوم سنت نگاه وارونه مجله نقد و نظر، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز ، ۱۳۸۰ش. (۳۹)
- عامری، محمد، الاعلام بمناقب الاسلام، دار الهدف، قاهره، ۱۴۱۳ق. (۴۰)
- عزیزی، پروانه، تجدد سنت و احیاگری، مجله اندیشه حوزه، سال ششم، شماره اول، ۱۳۸۸ش. (۴۱)
- عسکری، سید مرتضی، معالم المدرسین، مؤسسه النعمان بیروت، ۱۴۱۰ق. (۴۲)
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الفت نامه اصفهان: مرکز تحقیقات علمی و دینی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۹۲ش. (۴۳)
- قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۸۴ش، ج ۲. (۴۴)
- کیسی، عباس منهج الاصولین فی استدلال بالسنه النبویه، دار المکتبه الهلال، بیروت، ۱۴۲۳ق. (۴۵)
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، انصاریان، تهران، ۱۳۶۷ق. (۴۶)
- کاتوزیان، ناصر، بازاندیشی در ابعاد و گستره مفهوم سنت، ۱۳۸۸ش. (۴۷)
- مالک بن انس، الموطأ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق. (۴۸)
- مبین، محمد، کاوشی بنیادین در باب مدرنیته و سنت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، تهران، ۱۳۹۰. (۴۹)
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ج ۶ بیروت، الارشاد، ۱۴۲۳ق. (۵۰)
- ولیدی، محمد، پست مدرنیته و اندیشه های اجتماعی معاصر، نقش جهان، تهران ۱۳۹۳ش. (۵۱)